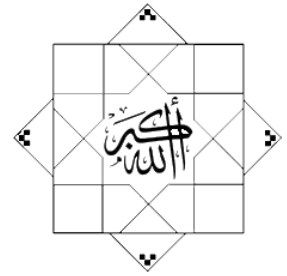




مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن



تفسیر سوره شناختی آیه

«ان المسلمین و المسلمات» (احزاب/ ۳۵)

تأملی بر دلالت تفسیر سوره شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب
بر یک الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی*



* (جایگزین) چهاردهمین کارگاه تفسیر سوره شناختی آیات

اجرا: علی اصغر سعدآبادی و میثم علی پور

«لسانی فشارکی»

۱۳۹۴/۴/۱۸

* مقاله چاپ شده در دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۶۰ - ۳۵

تأملی بر دلالت تفسیر سوره‌شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب بر یک الگوی توسعه و پیشرفت اجتماعی

میثم علی‌پور: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران
علی اصغر سعدآبادی*: دانشجوی دکتری، گروه فناوری بین رشته‌ای، دانشگاه تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۶۰-۳۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۵/۱۹

چکیده

تعالی فردی و توسعه و پیشرفت اجتماعی، نیازی فطری است که هر انسانی در پی آن است و شأن قرآن کریم پاسخگویی به نیازهای اصیل و راستین انسان‌هاست. در این پژوهش، محققان در پرتو تدبیر و پژوهش در تفسیر و معناشناسی آیه ۳۵ سوره احزاب با روش تفسیر سوره‌شناختی، یک سامانه تعالی فردی و توسعه و پیشرفت اجتماعی را طرح کرده‌اند. در این روش، پس از انتخاب آیه و تدبیر در آن، تدبیر در سیاق آیه و درنهایت، تدبیر در همه سیاق‌های بعدی و قبلی سوره صورت می‌پذیرد و پژوهشگر، به نگارش گزاره‌های استخراجی و تطابق آن‌ها با مجامع روایی و منابع تفسیری می‌پردازد. بر اساس تفسیر سوره‌شناختی آیه ۳۵ از سوره احزاب، آغاز این حرکت تکاملی از اسلام است؛ و این به معنای بندگی خداوند و فرو آوردن سر تسلیم در برابر اوست. در این امتداد، متذکر بودن به ذکر الهی آخرین درجه این حرکت تکاملی است که مغفرت الهی و اجر عظیم را برای انسان در بر خواهد داشت و بدون تمسک به ولایت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان، حرکت در این مسیر تعالی و تکامل امکان‌پذیر نیست و عالی‌ترین مصداق ذکر الهی، درک عظمت و شأن پیامبر اکرم (ص) و صلوات فرستادن بر ایشان و اهل بیت گرانقدر ایشان است.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت اجتماعی، تفسیر موضوعی، تفسیر سوره‌شناختی

۱- مقدمه

امروزه، فکر توسعه و تعالی اجتماعی از ایدئولوژی و نحوه نگرشی غربی نشأت می‌گیرد که تصویری یک بعدی و یک جانبه از حرکت تاریخی جوامع ارائه داده و مراحل را بر اساس سیر تاریخی جوامع غربی شناسایی می‌کند و به مثابه یک مدل و مرجع اساسی برای سایر جوامع معرفی می‌کند (پورعزت و سعدآبادی، ۱۳۹۱: ۹). مدل‌های توسعه اجتماعی پیاده شده در کشورهای پیشرفته غربی نمی‌توانند عیناً در کشورهای دیگر پیاده شوند؛ زیرا این مدل‌ها، علاوه بر داشتن نگاه تک‌بعدی به انسان و نیازهایش، پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی این کشورها را در نظر نمی‌گیرند. در زمانی که توسعه به معنای کمی آن مورد توجه بود، شاخص‌های اقتصادی چون درآمد، زیربنای فیزیکی و تولید ناخالص، معیارهایی برای توسعه شناخته می‌شدند؛ اما این شاخص‌ها در فرهنگ اسلامی نمی‌توانند تصویر جامعی از فراگرد توسعه‌یافتگی ارائه دهند. جالب آنکه با گذر زمان، تعاریف نوین از توسعه به تعالیم اسلامی نزدیک‌تر شده‌اند. اما در کشورهای اسلامی به این سرمایه معنوی و اثرگذار بر روند توسعه و پیشرفت، کمتر توجه شده است. در اسلام توسعه و تعالی انسانی محور حرکت برای دستیابی به توسعه پایدار محسوب می‌شود و حفظ ارزش‌هایی چون عدالت و برابری و آزادی، لازمه پایداری فراگرد توسعه تلقی می‌گردد. اسلام دینی فرازمانی و فرامکانی است. بنابراین تعالیم اصیل آن برای همه زمان‌ها و مکان‌ها معتبرند. به‌ویژه مفهوم مهمی چون توسعه و پیشرفت اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در باورها و اندیشه‌های اسلامی دارد (سعدآبادی و پورعزت، ۱۳۹۲: ۳۳).

منظور از توسعه و پیشرفت، اشاره به معنای راستین آن است که در قالب ریشه‌های لغوی «وسع» و «رشد» به آن اشاره شده است؛ بر این اساس، در این پژوهش فهم التقاطی توسعه (ر. ک. پورعزت و علی‌پور، ۱۳۹۳) مدنظر محققان نیست و در مقابل، سامانه‌ای برآورده از واژگان «رشد، راشد، رشید، مرشد، ارشاد، موسع، وسیع و واسع» بر مبنای فهمی فراگیر از «ذکر» مورد نظر است.

کشورهای در حال توسعه، به دنبال تقلید از مدل‌های غربی هستند و این در حالی است که جوامع غربی در شرایطی خاص و عمدتاً تسلط بر منابع اقتصادی جهان (به ویژه با غارت کشورهای عقب مانده فعلی) پیشرفت کرده‌اند (راموس^۱، ۱۹۷۴: ۲). حتی کشورهای پیشرفته امروزی نیز خط سیرهایی

متعدد، متنوع و بعضاً بسیار گوناگون داشته‌اند و نیل به توسعه، برای همه آن‌ها به یک قیمت تمام نشده است (میرزایی، ۱۹۷۶: ۱۹). پذیرش کامل نظریات وارداتی توسعه، بدون انجام امور تطبیقی و بومی سازی نسبت به فرهنگ، مذهب و دیگر مسایل بومی، به معنی شکست در برنامه‌های راهبردی توسعه است (قورچیان، ۱۳۸۰: ۵۴). بنابراین اگر مدلی ساخته شود که هم جنبه‌های علمی را در برداشته باشد و هم از جهت بومی و دینی با فرهنگ ملی و اسلامی همخوانی داشته باشد، می‌توان به تحقق پیشرفت و تعالی اجتماعی امیدوار بود.

۱-۱- مبانی نظری پژوهش

توسعه (طبق توافق ایجاد شده در کنفرانس بین المللی رفاه اجتماعی ۱۹۷۲) عبارت است از «جریانی پیوسته، منظم و واحد، که هدف آن منبعث از آرمان‌ها و تمایلاتی است که مردم برای خود و جامعه خود طلب می‌کنند» (میرزایی، ۱۹۷۶: ۱۹). بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، توسعه فراگردی است که با یکپارچه‌سازی کوشش‌های مردم و دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه، آن‌ها را قادر به مشارکت در پیشرفت ملی می‌سازد (ازو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۳؛ داب^۲، ۱۹۹۰: ۵۶).

توسعه پایدار به معنی تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی، بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآورده کردن نیازهایشان است. توسعه پایدار تنظیم و ساماندهی تعامل انسان و محیط و تعامل انسان با انسان را در برمی‌گیرد (لیله^۳، ۱۹۹۱: ۶۰۷؛ پارتو^۴، ۱۹۹۱: ۱۳).

منظور از پیشرفت و تعالی، تغییری همه جانبه و چند بعدی است که ابعاد زندگی اجتماعی انسان را با استفاده از یک چارچوب نظری و برنامه عملی واحد، متحول می‌سازد (سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). بنابراین، آرمان توسعه فقط پیشرفت اقتصادی یک ملت نیست و علاوه بر آن، اصلاح نحوه ارائه خدماتی برای بهبود وضعیت آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین اجتماعی، اشتغال و توزیع عادلانه ثروت را نیز می‌توان جزء اهداف توسعه قرار داد، به طوری که قدرت همه افراد جامعه در

1. Ojo
2. Dub
3. Lele
4. Pareto

انتخاب و تصمیم‌گیری درباره مسایل مهم زندگی افزایش یابد (سیرز^۱، ۱۹۶۹: ۵۹؛ جانسون و فیلیپینی^۲، ۲۰۱۳: ۹۷).

ناکافی بودن معیار درآمد سرانه و رشد اقتصادی در تعیین رفاه شهروندان موجب شد که برخی اقتصاددانان توجه خود را به شاخص‌هایی معطوف سازند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی در برگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد (سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸).
به نقل از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۷) مفهوم توسعه اجتماعی، رویکردی کل‌نگر به زندگی بهتر است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات تأکید دارد و با هدف قرار دادن زندگی بهتر افق پویایی را فراروی انتخاب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. پژوهشگران مسلمان اقدام به ارائه الگوهای توسعه بومی مبتنی بر منابع دینی نموده‌اند که در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

خاکبان (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان رسالت حوزه و دانشگاه در تدوین الگوی توسعه اسلامی، معتقد است بزرگترین و زیربنایی‌ترین رسالت حوزه و دانشگاه در سازندگی جامعه، تلاش در راستای نظریه‌پردازی الگوی نوین توسعه دینی است. این الگو باید در سه مرحله انجام شود: ۱. تصویر کلان، جامع و دقیق آینده؛ ۲. تصویر کلان، جامع و دقیق وضع موجود؛ ۳. برنامه مرحله گذار از وضع موجود به سمت وضع مطلوب.

بر اساس آیات و روایات اسلامی، برخلاف هدف توسعه در غرب که فقط جنبه مادی زندگی را در نظر می‌گیرد، هدف توسعه در اسلام رسیدن به ارزش‌های متعالی انسانی است که در هدف خلقت انسان منظور شده است و رشد انسان هدف فعالیت‌های مادی قرار گرفته است. به عبارت دیگر، اسلام یک مکتب مادی یا معنوی صرف نیست؛ در مقابل، مکتبی مادی و معنوی است و مادیت را در پرتو معنویت می‌پذیرد. بر این اساس، مفهوم توسعه در اسلام به صورت زیر قابل برداشت است: «رسیدن به اهداف متعالی تعیین شده از سوی خداوند متعال برای انسان، از طریق رفع نیازهای مادی و معنوی انسان و جامعه» (رضایی، ۱۳۸۸: ۷۱).

-
1. Seers
 2. Johnson & Filippini

سیف (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان *مفهوم‌شناسی الگوی بومی توسعه جمهوری اسلامی ایران* پس از آسیب‌شناسی نظری و عملی توسعه و فهرست کردن مشکلات ناشی از به کارگیری نظریه و الگوهای رایج توسعه در جهان سوم، الگوی بومی توسعه جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر اسناد بالادستی مانند قانون اساسی، رهنمودهای امام خمینی و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مشتمل بر اهداف اساسی پیشرفت، عدالت و معنویت معرفی نموده است. در این الگو، حاکمیت و مردم و روحانیت در تحقق اهداف اساسی مشارکت داشته، همزمان مسئولیت‌های ویژه خود را خواهند داشت.

۱-۲- روش‌شناسی پژوهش

۲-۳-۱- روش تفسیر سوره‌شناختی آیات

تفسیر سوره‌شناختی آیات نوعی از تدبیر در آیات قرآن کریم است. در این شیوه، برای کسب معرفت از آیه مورد نظر، ارتباط همه آیات رکوع یا سیاق قرآنی که آن آیه در آن رکوع قرار گرفته است، با یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. بر این اساس، تلاش بر فهم آیه در ارتباط با سایر آیات رکوع است و ویژگی بارز این نوع از تدبیر، پرهیز از نگرش تجزیه‌ای به هر آیه از قرآن کریم است. تفسیر سوره‌شناختی آیات، طرحی است که دربرگیرنده ویژگی‌هایی از روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و ویژگی‌هایی از سوره‌شناسی است. بر این اساس، در روش تحقیق موضوعی پس از تدبیر در آیه اصلی، ابتدا آیات بعد و سپس آیات قبل آن مورد تدبیر قرار می‌گیرند و این ویژگی در تفسیر سوره‌شناختی تبدیل به تدبیر در رکوع اصلی، تدبیر در رکوعات بعد و تدبیر در رکوعات قبل می‌شود. در همین امتداد، توجه به تعداد رکوعات سوره، فرازهای آغازین و پایانی رکوع و تدبیر در رکوعات مشابه در سراسر قرآن کریم، محور موضوعی سوره و جایگاه رکوع در آن محور موضوعی نیز بخشی از کار تفسیر سوره‌شناختی خواهد بود (ر. ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۲: ۲۳). بر این اساس، همه آیات قرآن کریم با استفاده از این روش می‌توانند موضوع تدبیر قرار گیرند. اگرچه، در تحقیق حاضر بحث درباره دلالت آیه بر الگوی توسعه، استحسان استنباطی صورت پذیرفته است.

روش استخراج گزاره‌های تدبیری در تفسیر سوره‌شناختی، مبتنی بر تلاش پژوهشگر و دقت وی در آیه، رکوع و سوره است. بر این اساس، در مراحل گوناگون تدبیری، پژوهشگر به منابع تفسیری و مجامع روایی مراجعه می‌کند و فهم خود از قرآن کریم را به آن‌ها عرضه می‌کند. در صورتی که فهم پژوهشگر با بیان تفاسیر و روایات در تعارض بوده و این تعارض قابل حل نباشد، ثبت آن گزاره برای

سایر پژوهشگران قابل استفاده خواهد بود. پس در تدبیر سوره‌شناختی پژوهشگر به قرائت مکرر آیات و ثبت هر آنچه به ذهن او القاء می‌گردد، مبادرت می‌ورزد. بر این اساس، می‌توان روش تفسیر سوره‌شناختی را در قالب نمودار زیر به نمایش درآورد:

۲- تفسیر سوره‌شناختی آیه ۳۵ سوره احزاب ۲-۳-۲- نگاهی کوتاه به سوره‌شناسی سوره احزاب



سوره احزاب ما را با چند حقیقت آشنا می‌کند جز آنکه محور موضوعی آن «استوار ساختن پایه‌های رهبری امت مسلمان» است (مدرّسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۲۰۲). رهبری، قلّه دین و بلندای شریعت و همان امانت بزرگی است که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از حمل آن عاجز بودند و انسان آن را حمل کرد و بر خود ستم نمود.

آیات سوره در این چارچوب قرار گرفته است تا ما را با شخصیت ویژه و ویژگی‌های رهبری پیامبر که به نیروی توفیق خدا و نگهداشت او بر همه فشارهای اجتماعی فایق آمد، آشنا سازند. او فقط از خدا پروا داشت و مطیع کافران و منافقان نمی‌گشت و تابع وحی الهی بود و بر خدا توکل می‌کرد (مدرّسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۲۰۳).

بسیاری از سیاق‌های این سوره به احوال پیامبر (ص) تعلق دارد. در این سوره، ۵ بار پیامبر اکرم (ص) مورد خطاب قرار گرفته است و در هر بار، مقاصد گوناگون شریعت بیان شده است و گاه، حدود تعیین شده‌اند.

خطاب اول، بیانگر حدود و وظایف رسالت پیامبر اکرم (ص) در راستای اراده پروردگار است (احزاب/۱).

خطاب دوم، بیانگر جایگاه همسران پیامبر (ص) و نزدیکی آن‌ها به اوست (احزاب/۲۸).

خطاب سوم، بیانگر محدوده وظایف پیامبر (ص) در تعامل با امت است (احزاب/۴۵).

خطاب چهارم، بیانگر احکام ازدواج پیامبر (ص) و روش برخورد او با زنان است (احزاب/۵۰).

خطاب پنجم، بیانگر آداب و احکام زنان اهل بیت پیامبر (ص) و زنان مؤمن است (احزاب/۵۹)

(ابن عاشور، ۱۴۱۱، ج ۲۱: ۱۷۸). اگرچه، در بسیاری از خطاب‌های قرآنی به پیامبر اکرم (ص)، حکم آیه مختص ایشان نیست و مؤمنین را هم در بر می‌گیرد. در این امتداد، فیض کاشانی به نقل از قمی از امام صادق (ع) چنین روایت کرده است: خداوند متعال پیامبر خویش را مبعوث فرمود تا به وسیله او حقایق را بیان فرموده و به گوش مردم برساند. پس اگرچه مورد خطاب پیامبر است اما مقصود مؤمنانند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۶۱).

سوره احزاب یکی از پربرترین سوره‌های قرآن مجید است و مسائل متنوع و بسیار مهمی را در زمینه اصول و فروع اسلام بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴). این سوره بیانگر بخش‌هایی واقعی از زندگی جامعه اسلامی در دوران پس از نبرد بدر کبری تا پیش از صلح حدیبیه است و این دوران تصویرگری واقعی و مستقیم از زندگی اجتماعی مسلمانان در مدینه است. این

دوران، دربرگیرنده رویدادهای گوناگون و مقرراتی است که جامعه اسلامی نوپا آن‌ها را ایجاد کرده یا پذیرفته است (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۱۷). هرچند این سوره بیانگر همه آن رویدادها نیست و صرفاً آن‌ها را با اصل بزرگ «ایمان به خدا و پذیرش قدرت و تقدیر او» ارتباط می‌دهد. دوران بیان شده از زندگی جامعه مسلمانان در این سوره، دارای ویژگی خاصی است. دورانی است که خصیصه‌های شخصیت مسلمانی در زندگی اجتماعی و در سازوکار دولت اسلامی به صورت ناقص ظهور و بروز می‌یابد و در همین امتداد، پس از فتح مکه و ورود فوج فوج مردم به دین خدا و ترمیم امور دولت اسلامی و نظام اسلامی، سیطره این شخصیت به کمال خود می‌رسد. سوره، متولی تبیین بخشی از نظام و مقررات جامعه اسلامی و ابراز این خصوصیات و تثبیت آن‌ها در زندگی خانوادگی و اجتماعی و بیان اصول عقاید و شریعت است؛ همانطور که متوکی تعدیل سنت‌ها و تقلیدها یا ابطال آن‌ها برای ایجاد مفهوم اسلامی جدید است. در خلال بحث درباره آن شرایط، سخن از کارزار احزاب و بنی قریظه و تلاش‌های کفار و منافقان و یهود در آن‌ها و دسیسه‌هایشان در میان مسلمانان و آزار و اذیت‌های ایجاد شده به واسطه آن دسیسه‌ها به میان می‌آید. در همین امتداد، به دسیسه‌ها و نیرنگ‌های آن‌ها درباره اخلاق و آداب و خانه‌ها و زنان مسلمانان اشاره می‌کند. در سیاق این سوره، نقطه اتصال بین آن شرایط و این دو کارزار و رخدادهایشان، ارتباط این حوادث به جایگاه کافران و منافقان و یهود و تلاش این گروه‌ها در ایجاد پراکندگی در صف‌های مسلمانان است؛ خواه از طریق تهاجم نظامی و تلاش برای نفوذ در صف‌های مسلمانان و فراخوان برای پذیرش شکست و خواه از راه برهم زدن شرایط اجتماعی و سنت‌های اخلاقی. آثاری که از کارزارها و غنایم در زندگی جامعه اسلامی به دست آمد، منجر به تعدیل برخی از شرایط اجتماعی، افکار و ادراکات و استقرار آن‌ها بر پایه‌ای ثابت شد که با آن آثار در فضای واقعی جامعه اسلامی، متناسب باشند. بر این اساس، وحدت موضوعی سوره خودنمایی می‌کند و سیاق آن و موضوعات گوناگونش را گرد خود جمع می‌کند. این مطلب مبتنی بر وحدت زمانی است که بین مسائل نوپدید و مقرراتی که سوره متضمن آن‌هاست، وجود دارد (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۱۸).

بر اساس دیدگاه مفسران، بحث‌های سوره را می‌توان به شش (ر. ک. سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵) یا هفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷) بخش تقسیم کرد؛ اگرچه، سوره احزاب دارای ۸ رکوع است و ملاک مفسران در تقسیم‌بندی سوره، پیوستگی موضوعی بوده است.

بخش اول، سرآغاز سوره است که پیامبر اسلام (ص) را به اطاعت خداوند و ترک تبعیت از کافران و پیشنهادهای منافقان دعوت می‌کند و به او اطمینان می‌دهد که در برابر کارشکنی‌های آن‌ها از وی حمایت خواهد فرمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴). بر این اساس، سوره با جلب توجه پیامبر اکرم (ص) به تقوای الهی و عدم پیروی از کفار و منافقان و پیگیری وحی پروردگار و توکل بر او آغاز می‌شود (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۱۸). این سرآغازی است که سایر مطالب سوره اعم از مقررات و مسائل نوپدید را به اصل بزرگی ارتباط می‌دهد که قوانین این دین و استدلال‌ها، نظام و شرایط، آداب و اخلاق آن مبتنی بر آن‌اند؛ «اصل ادراک قلبی شکوه خداوند و تسلیم مطلق در برابر اراده او و پیروی از راهی که او خواسته است و توکل بر او و اطمینان از حمایت و یاری او» (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۱۹)! نیازی به تذکر نیست که روی سخن در این خطاب، در مراحل بعد به مؤمنان است؛ این حقیقت در آیه ۲۱ از این سوره بیان شده است. پیامبر اکرم (ص)، برای مؤمنانی که به دنبال رضایت خداوند بوده و آخرت‌گرایی را سرلوحه زندگی خویش دارند، اسوه حسنه است؛ پس خطابی که به این اسوه حسنه شده است هم اسوه حسنه است!

پس از این سرآغاز زیبا، به بیان کلام حق و روشنگر درباره برخی از قواعد و شرایط اجتماعی می‌پردازد. در این امتداد، ابتدا با لحنی قاطع حقیقت موضوع را بیان می‌فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ»؛ بر این اساس، انسان را متوجه می‌سازد که فقط از راه نفاق می‌تواند از چند شیوه و راه پیروی کند و از آنجا که فقط یک قلب دارد، لازم است که به یک خدا روی آورد و از یک راه پیروی کند و سایر راه‌ها را وانهد. در همین امتداد، به ابطال رسم طلاق ظهار در دوران جاهلیت می‌پردازد که در آن، مرد سوگند یاد می‌کرد که پس از این همسرش را مانند مادرش بر خود حرام بداند: «وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ لِلنَّائِي تَطَاهُرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ» و مقرر فرمود که این کلامی بی‌اساس است و هیچ حقیقتی در پشت آن نیست؛ زیرا همسر هرگز تبدیل به مادر نمی‌شود! همچنین به ابطال رسم «تبنی» پرداخت که در آن فرد پسرخوانده را همچون پسر خویش می‌دانست: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ»؛ پس از آن ابطال، آثاری چون ارث بردن فرزندان خوانده از پدرخوانده هرگز بازننگشت! در همین امتداد، ولایت عام رسول‌الله (ص) بر همه مؤمنان را بیان فرموده و این ولایت را بر ولایت فرد بر نفس خویش مقدم دانسته و بین همه مؤمنان و زنان پیامبر، رابطه فرزندی و مادری را ایجاد می‌فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ». سپس آثار سنت مؤاخات را که در

ابتدای هجرت به حدّ کمال خود رسید ابطال می‌فرماید و خویشاوندی طبیعی را در ارث و دیه جایگزین آن می‌سازد: «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ». بر این اساس، قانون‌گذاری برای جامعه اسلامی را بر مبنایی طبیعی قرار داده و سایر روش‌های قانون‌گذاری را باطل می‌فرماید. در همین امتداد، با اشاره به آنکه در کتاب قدیم الهی نوشته شده است و بیان میثاق گرفته شده از پیامبران و به‌ویژه پیامبران اولوالعزم، این قانون‌گذاری جدید که از راه اسلام و حکم الهی به سبک قرآن در ایجاد نظم و وضع قوانین دینی و مبادی و استدلال‌هاست را پیگیری می‌کند. این چکیده‌ای از بخش اول سوره است (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴).

در بخش دوم سوره، خداوند متعال به بیان نعمت خود بر مؤمنان در جلوگیری از به ثمر نشستن خدعه احزاب و مهاجمان می‌پردازد و بر این اساس، تصویری زنده از دو واقعه احزاب و بنی‌قریظه به دست می‌دهد که بیانگر ادراکات درونی و حرکات ظاهری و گفتگوها بین افراد است. در این میان، در مواقع مناسب به بیان مقررات جدید و پیگیری قانون‌گذاری می‌پردازد (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴).

سپس برای مؤمنان حکمت رخدادهای به وقوع پیوسته را بیان می‌فرماید و خطاها و انحراف‌ها را به نقد می‌کشد و درستی‌ها و رادمردی‌ها را می‌ستاید و همه آن‌ها را به قدرت الهی، اراده، عمل و راه مستقیم او ارتباط می‌دهد (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴).

بخش سوم، بیانگر اختیار همسران پیامبر به عدم رضایت به نفقه پرداخت شده به آن‌ها از محلّ فیء بنی‌قریظه و غنائم جنگی و به تعبیری، انتخاب بهره‌زندگی دنیا و زینت آن یا ایشار برای خدا و پیامبر برای دستیابی به آخرت بهتر است. آن‌ها خداوند و پیامبر و آخرت را برگزیدند و به این جایگاه پرمنزلت در نزد خدا و پیامبر راضی شدند و آن را بر بهره‌دنیوی ترجیح دادند. بر این اساس، خداوند از پاداش دو برابر در صورت تقوا و عذاب دو برابر در صورت ارتکاب فحشاء برای آن‌ها سخن می‌گوید. دلایل این مسأله عبارتند از جایگاه با ارزش آن‌ها، ارتباطشان با پیامبر، نزول و تلاوت قرآن در خانه‌های آن‌ها و حکمتی که از پیامبر شنیدند (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴).

در بخش چهارم، اشاره‌ای غیر صریح به موضوع ازدواج زینب دختر جحش از قبیله قریش و خاندان هاشم که دختر عمه پیامبر اکرم (ص) بود با زیدبن حارثه فرزندخوانده پیامبر دارد. بر این

اساس، ابتدا امر و اراده همه مردان و زنان مؤمن را به خدا باز می‌گرداند که بدون اذن و خواست الهی هیچ اراده‌ای برای خود ندارند؛ فقط اراده خداوند و قدرت اوست که همه چیز را دربر می‌گیرد و فرد مؤمن در برابر آن کاملاً تسلیم است. در ادامه ماجرای طلاق آن دو و ابطال سنت «تَبَنّی» را طرح می‌کند که به معنای در نظر گرفتن همه حقوق پسر برای پسرخوانده بود (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴). سردمدار این ابطال، پیامبر اکرم (ص) است؛ زیرا این عادت نادرست در جامعه عربی بسیار ریشه‌دار بود و پایان آن، بسیار دشوار! بر این اساس، فقط پیامبر اکرم (ص) بود که می‌توانست از عهده این آزمایش برآمده و استقامت ورزد. در همین امتداد، رابطه حقیقی بین پیامبر اکرم (ص) و همه مؤمنان را تبیین می‌فرماید که او رسول‌الله و خاتم‌النبین است و پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست. این بخش با دستوراتی برای پیامبر و مؤمنان به پایان می‌رسد: «وَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۲۱).

بخش پنجم با بیان حکم زنان مطلقه پیش از خروج از بکارت آغاز می‌شود. در ادامه، به تنظیم زندگی زناشویی پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد و بیان می‌فرماید که از میان زنان مؤمن، ازدواج با چه کسانی بر او حلال و با چه کسانی بر او حرام است. در همین امتداد، به تنظیم رابطه مسلمانان با خانه‌های پیامبر و همسران ایشان در زمان زندگی و پس از آن می‌پردازد و درباره حضور پس‌پرده زنان پیامبر در برابر مسلمانان سخن می‌راند و فقط پدران، فرزندان، برادران، برادرزادگان، خواهرزادگان، زنان آن‌ها، کنیزان و بردگان را از این حکم استثنا می‌کند. این بخش با بیان مجازات کسانی که پیامبر اکرم (ص) را درباره همسران و خانه‌هایش آزار می‌دهند ادامه می‌یابد و خداوند ایشان را در دنیا و آخرت لعنت می‌فرماید؛ زیرا منافقان از این باب به توهین بسیار پرداخته‌اند. در ادامه، فرمان الهی به همسران و دختران پیامبر و همه زنان مؤمن برای استفاده از روسری‌های بلند بیان می‌شود. در همین امتداد، منافقان و بیماردلان و شایعه‌پراکنان مدینه را به خروشیدن پیامبر اکرم (ص) علیه آنان و اخراج آن‌ها از مدینه، مانند اخراج بنی‌قینقاع و بنی‌نضیر یا جاری شدن حکم بر آنان، مانند ماجرای بنی‌قریظه تهدید می‌فرماید و همه این موارد به آزار بسیار زیاد این افراد دلالت دارد (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۲۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴).

بخش ششم دربرگیرنده پرسش مردم درباره زمان روز قیامت و پاسخ به آن است که علم به آن زمان، فقط در اختیار خداوند متعال است و بیان می‌فرماید که به صورت ضمنی آگاه باشید که زمان

آن نزدیک است! در این امتداد، برخی از رخداد‌های روز قیامت را به تصویر می‌کشد (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۲۱).

این آیات دارای نظم آهنگی‌اند که نشان‌دهنده سنگینی بار مسئولیت بر گرده بشریت و به‌ویژه جامعه مسلمانان است که به تنهایی برای کشیدن این بار امانت قیام کرده است؛ امانت اعتقاد و استقامت بر آن؛ امانت دعوت اسلامی و صبر بر انجام تکالیف آن؛ امانت شریعت و قیام برای اجرای آن درباره خود و در همه جای زمین. آنچه همراه با موضوع سوره حرکت می‌کند، جلوه‌ها و شیوه‌های الهی است که سوره متضمن و متکفل تنظیم جامعه اسلامی بر آن اساس است (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۲۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۸۴).

۲-۳-۳- سیاق‌بندی‌های (رکوعات) سوره احزاب

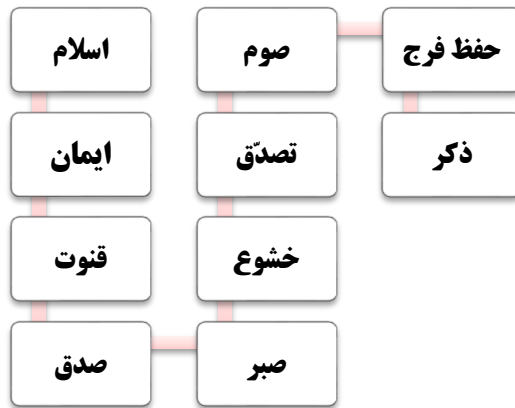
بر اساس تقسیمات الهی قرآن کریم که به دست پیامبر اکرم (ص) انجام شد (ر. ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۲؛ رجبی، ۱۳۹۰)، سوره احزاب دارای ۸ رکوع یا سیاق است که در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: رکوعات سوره احزاب (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۲: ۵۷)

شماره رکوع در سوره	آیه ابتدای رکوع	آیه انتهای رکوع	تعداد آیات رکوع
۱	۱	۸	۸
۲	۹	۲۰	۱۲
۳	۲۱	۲۷	۷
۴	۲۸	۳۴	۷
۵	۳۵	۴۰	۶
۶	۴۱	۵۲	۱۲
۷	۵۳	۵۸	۶
۸	۵۹	۷۳	۱۵

بر این اساس، آیه ۳۵ سوره در پنجمین رکوع از آن قرار دارد و خود سرآغاز این واحد موضوعی است.

۲-۳-۴- تدبیر در آیه ۳۵ از سوره احزاب: دلالت آیه بر یک الگوی توسعه اجتماعی
 سوره احزاب ضمن تأکید بر نقش رهبری پیامبر اکرم (ص)، به دنبال جامعه‌سازی است. آیه ۳۳ این سوره، آیه تطهیر است که تکلیف جامعه ایمانی را روشن کرده است و آیه ۳۵ این سوره، مسیری ۱۰ مرحله‌ای را مشخص فرموده است. این مسیر، از اسلام آغاز شده و به ذکر ختم می‌شود. بر این اساس، اسلام آغاز راه و ذکرالله انتهای کمال جامعه است. در این مسیر، پیامبر اکرم (ص) اسوه حسنه است و اهل بیت او، شاگردان بی‌نقص اویند که به مقام جانشینی او رسیده‌اند. این مسیر، به شرط خواست و احساس نیاز، برای سایر انسان‌ها هم قابل پیمایش است؛ همان‌طور که سلمان و اباذر از اهل بیت گشتند.



شکل ۱: الگوی ۱۰ مرحله‌ای در آیه ۳۵ از سوره احزاب

۲-۳-۵- معناشناسی مراحل ۱۰ گانه

۲-۳-۱-۱- اسلام

سلم در مقابل دشمنی و به معنای موافقت و همراهی بسیار زیاد در آشکار و نهان است به طوری که هیچ مخالفتی در میان نباشد. از لوازم این معنا، مفاهیم سر نهادن و صلح و رضایت است. سلامت به معنای میانه‌روی و نظم و عاری از نقص و عیب و آفت و کژی بودن است (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۱۸۸). بر این اساس، اسلام به معنای موافقت و همراهی بسیار زیاد در آشکار و نهان با اوامر الهی و احکام دینی است که منجر به میانه‌روی و نظم و رهایی از نقص و عیب و آفت و کژی می‌شود.

سلیم بن قیس روایت می‌کند که شنیدم مردی از امیرالمؤمنین علی (ع) درباره ایمان پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: من نزد پیامبر اکرم (ص) بودم که مردی آمد و همین سؤال را از ایشان پرسید که به فرمان پیامبر اکرم (ص) به او گفتم جبرئیل در صورت مردی نزد رسول‌الله آمد و از او پرسید اسلام چیست؟ فرمود: شهادت به آنکه خداوند یکتاست و هیچ خدایی جز او وجود ندارد و شهادت به پیامبری محمد و برپایی نماز و پرداخت زکات و انجام حج و روزه ماه رمضان و غسل جنابت (ر. ک. هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۱۳).

بر این اساس، اسلام اولین گام در حرکت به سوی تعالی است. در این گام، تأکید بر آن است که احکام دینی در قالب اوامر و نواهی باید به صورت دقیق، جامع و بدون نگرش سلیقه‌ای و گزینشی به اجرا گزارده شوند. در این امتداد، تذکر داده می‌شود که بیان دو باور و ۵ حکم در حدیث ذکر شده نشان‌دهنده اهمیت این احکام و شمول آنهاست که پذیرش آنها، منجر به پذیرش سایر احکام خواهد شد!

۲-۳-۱-۲- ایمان

اصل در ماده «ا م ن» آرامش درونی و از بین رفتن هراس است و «امن» و «امانت» و «امان» در اصل مصدرهایی از این ماده‌اند. گاه امان اسمی برای بیان حالتی است که انسان در امنیت است و گاه برای بیان چیزهایی است که درباره آنها به انسان اعتماد شده و به مثابه امانت به انسان سپرده شده است (ر. ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰).

«آمن» در دو شرایط استفاده شده است؛ اول، در شرایطی که متعلی است و در این حالت «آمنته» به معنای آن است که «برایش ایجاد امنیت کردم». دوم، در شرایطی که لازم است و در این صورت به معنای آن است که «دارای امنیت شد». «ایمان» گاه به مثابه اسمی برای شریعتی است که پیامبر اکرم (ص) آورده است؛ مانند آیه ۶۹ از سوره مائده و آیه ۱۰۶ از سوره یوسف؛ گاه برای مدح و ثنا به کار برده شده است و منظور از آن باور درونی و اذعان به حق و تصدیق آن توسط نفس است که مستلزم سه عنصر است: باور عمیق قلبی، اقرار زبانی و کردار با اعضاء و برای این معنا می‌توان به آیه ۱۹ از سوره حدید اشاره کرد. در همین امتداد، به هر اعتقاد و گفتار درست و عمل صالح ایمان گفته می‌شود (ر. ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۱). پیامبر اکرم (ص) اصل ایمان را شش چیز دانسته‌اند که عبارتند از: ایمان به خدا، فرشتگان، پیامبران، کتاب‌های آسمانی، زندگی پس از مرگ و همه انواع تقدیر از خیر و شر و تلخ و شیرین (ر. ک. هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۱۳).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۴ از سوره حجرات بیان می‌فرماید «تفاوت بین ایمان و اسلام آن است که ایمان حقیقت و معنای قائم به قلب، مانند اعتقاد و باور است؛ درحالی که اسلام امری قائم به زبان و جوارح است. بر این اساس، بیان اسلام و فروتنی با استفاده از زبان، شهادت به توحید و نبوت و عمل ظاهری مطابق با آن، بدون در نظر گرفتن اعتقاد قلبی برای پذیرش اسلام کافی است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۲۸).

۲-۳-۱-۳- قنوت

اصل این ماده به معنای خضوع همراه با فرمانبری است. قنوت دو گونه است؛ قنوت تکوینی مانند آیه ۱۱۶ از سوره بقره و قنوت تشریحی مانند آیه ۲۳۸ از سوره بقره (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۳۲۴). قنوت پس از ایمان به دست می‌آید و شرطی لازم برای عمل و عبادت درست است. در همین امتداد، نتیجه ایمان دستیابی به حالت خضوع و فروتنی در طاعت است و در صورت عدم تحقق این حالت، ایمان و طاعت و عبادت سودی نخواهد بخشید (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۳۲۵). بر این اساس، قانتین و قانتات عبارتند از کسانی که به طور مستمر، اعمال صالح را انجام می‌دهند (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۸: ۳۴۲).

۲-۳-۱-۴- صدق

اصل صدق و کذب در کلام است؛ خواه در گذشته یا آینده باشد. اگرچه، در نگاه اول فقط در مورد گفتار بکار می‌رود و از میان انواع جملات، در اصل برای جملات خبری کاربرد دارد و در انواع دیگر مانند استفهام و امر و دعا، به طور عرضی به کار رفته است. راستی یا صداقت عبارت است از مطابقت نهاد گوینده با گفتار یا به عبارتی سازگاری دل و زبان (ر. ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۸). صدیق کسی است که بسیار راستگو باشد و نیز گفته شده است کسی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. صدق در جهاد هنگامی اتفاق می‌افتد که حق آن ادا شده و همه واجبات آن انجام شود (ر. ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۹). بر این اساس، انسان صادق کسی است که دوگانگی در گفتار ندارد و هرگز زبانش از دلش جدا نیست.

صداقت (راستی) صفتی است که هر کس از آن برخوردار نباشد از امت اسلامی نیست؛ زیرا خداوند فرمود: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ» (نحل / ۱۰۵). پس دروغگو از مسلمانان نیست و نشانه اسلام، صداقت است (سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۸۶۳).

۲-۳-۱-۵- صبر

صبر عبارت است از حفظ آرامش درونی و پرهیز از بی‌تابی همراه با آرامش و طمأنینه. بر این اساس، این ماده در مواردی به کار می‌رود که به تحمل و پایداری نیازمند است. صبر با توجه به وضعیتی که در آن مطرح می‌شود، سه گونه است: اول، صبر در انجام وظایف و واجبات و استقامت در این راه بدون سهل‌انگاری یا اضطراب؛ دوم، صبر بر ترک گناه و کارهای حرام؛ سوم، صبر بر بلا و آزمایش. صبر از نظر ویژگی و کیفیت دارای چهار مرتبه است: اول، صبر به طوری که هیچ اضطراب یا بی‌قراری بروز نکند که در این صورت، صبر مطلق مد نظر است و اسماء حسناى الهی مانند صبور و صبار در این مرتبه قرار می‌گیرند؛ دوم، صبر به طوری که در نهان و آشکار هیچ بی‌قراری مشاهده نشود؛ سوم، صبری که برخاسته از محبت و شوق باشد که صبر جمیل نامیده می‌شود؛ چهارم، صبر مبتنی بر عبودیت که عبد مخلص هیچ خواست و هوا و نظر و هدفی از خود ندارد و فقط در پی طاعت و عبودیت است. ناگفته نماند که صبر معیاری در تشخیص مرتبه انسان از نظر استعداد ذاتی و توانایی درونی و قدرت روحی اوست و بیشترین حد از صبر در کامل‌ترین انسان‌ها قرار دارد (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۱۸۴-۱۸۲).

۲-۳-۱-۶- خشوع

اصل در ماده (خ ش ع) حالتی به دست آمده از نرم‌خویی، فروتنی، پذیرش و دریافت است. این حالت در مرحله اول در قلب رخ می‌دهد و پس از آن در چشم و گوش که این دو، وسایل پذیرش و دریافت اند. بر این اساس، خشوع چشم و خشوع صدا به معنای قرار دادن چشم و گوش در مقام تسلیم، فرمانبری، فروتنی، دریافت و طاعت است (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۶۲). بر این اساس، خشوع صفتی است که قلب و جوارح را در حالت انقیاد کامل در برابر خداوند متعال قرار داده و فرد را به مراقبت و توجه به جلال و هیبت الهی و می‌دارد (طنطاوی، ۱۴۰۲، ج ۱۱: ۲۱۰).

۲-۳-۱-۷- تصدق

این واژه از ریشه «صدق» است و منظور از آن هرگونه پرداخت یا انفاقی است که فرد از دارایی خود به نیازمندان انجام می‌دهد. بر این اساس، از آن جهت به آن «صدقه» گفته شده است که مستلزم صدق و راستی فرد پرداخت‌کننده است (ر. ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۰).

۲-۳-۱-۸- صوم

این ماده در اصل به معنای خودداری از یک فعل است که می‌تواند اعم از خوردن یا گفتن یا راه رفتن و یا هر فعل دیگر باشد. در این امتداد، به دلیل آنکه ویژگی بارز روزه، خودداری کردن از برخی افعال است، از «صوم» برای اشاره به آن استفاده شده است (ر. ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۰).

۲-۳-۱-۹- عفت یا حفظ فرج

عفت عبارت است از خویشتن‌داری در برابر شهوات. بر این اساس، تقوی خویشتن‌داری در برابر محرّمات و گناه است و درباره آنچه در خارج است معنا پیدا می‌کند؛ درحالی‌که عفت به آنچه درون نفس است، تعلق دارد (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۱۸۰).

۲-۳-۱-۱۰- ذکر

گاه منظور از ذکر حالتی برای نفس است به وسیله آن انسان می‌تواند معرفت به دست آمده و لازم برای خود را حفظ کند و مانند حفظ است؛ با این تفاوت که حفظ به اعتبار احراز گفته می‌شود و ذکر به اعتبار استحضار. گاه منظور از ذکر حضور چیزی در قلب یا در زبان است. بر این اساس، گفته شده است که ذکر دو گونه است: اول، ذکر قلبی؛ دوم، ذکر زبانی. در همین امتداد، هر یک از این گونه‌ها خود دارای دو نوع‌اند: اول، یادآوری پس از فراموشی؛ دوم، ذکر و یادآوری برای ادامه حفظ (مرور) (ر. ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۸).

شبهه گسترده معنی «ذکر» و مشتقات آن در زبان قرآن، مفهومی جامع را از آن مدنظر قرار می‌دهد؛ این واژه، به‌طور کلی به دو معنای زبانی و قلبی در قرآن کریم به کار رفته است:

الف) ذکر زبانی، در آیه ۲۰۰ از سوره بقره و آیه ۱۲۱ از سوره انعام.

ب) ذکر قلبی، در آیه ۱۴ از سوره طه و آیه ۲۰۵ از سوره اعراف.

البته کاربرد ذکر زبانی نیز در اصل، مستند و معتبر به ذکر و یادآوری قلبی است! برای مثال در فریضه حج، خدای سبحان خواسته است تا دل حجاج هنگام ادای مناسک و پس از آن، همواره به یاد او باشد و یا هنگام ذبح قربانی، در ورای ذکر زبانی، متوجه به خداوند عزوجل باشد؛ بنابراین، مداومت به اذکار زبانی، بدون ذکر قلبی، فایده ندارد! همچنین است در نیت خالص که شرط اصلی پذیرش هر عبادت است!

حال اگر این مفهوم به سطح اجتماع نیز تسری داده شود، دو نوع ذکر مدنظر قرار می‌گیرد:

۱. ذکر یا «به یادآوری» فردی یا سطح اول - یادآوری در اندیشه و قلب فرد و سرایت دادن آن به سوی سایر اعضای بدن وی؛
۲. ذکر یا «به یادآوری» جمعی یا سطح دوم - بیان مسئولیت اجتماعی در بین افراد. می‌توان نوع اول را «ذکر» و نوع دوم را «تذکر» نامید (پورعزت و علی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۰۴).

۲-۳-۲- تدبیر درون رکوعی

تدبیر در آیات ۳۵ تا ۴۰ سوره احزاب بیانگر آن است که حرکت در مسیر تعالی برای دستیابی به مقام ذاکر شدن به «ذکرالله»، مغفرت الهی و دستیابی به پاداش بزرگ او را در بر دارد. در مرحله ایمان، فرد برای خود درباره احکام الهی و دستورات پیامبر اکرم (ص) هیچ اختیاری قائل نیست؛ بر این اساس، تسلیم مطلق فرمان خدا و پیرو مطلق رسول الله بوده و بر این باور است که هرگونه مخالفت با فرمان او و خروج از مسیر پیامبر اکرم، منجر به خروج از دایره ایمان و تحقق انحطاط و گمراهی خواهد شد! خداوند دستوراتی را صادر فرموده است که با برخی آداب و رسوم پیشینیان سازگار نیست؛ بر اساس تقسیم عقلی، در مواجهه با این دستورات مردم دو دسته خواهند شد:

الف - برخی آداب و رسوم پیشینیان را بر هر حکم و فرمانی مقدم می‌دانند و حاضر به ترک آن‌ها نیستند.

ب - برخی دستورات الهی را بر هر سنت و رسمی مقدم می‌دانند و رسوم ناسازگار را وامی‌نهند. یکی از مصادیق مبارزه اسلام به پرچمداری رسول الله با بت پرستی و بت‌انگاره‌سازی، مواجهه با رسوم نادرست و سنت‌های تباه‌کننده است که در مقام مقایسه، بسیار دشوارتر از خرد کردن بت‌های سنگین با تبر است! بر این اساس، حرکت در مسیر تعالی مستلزم تسلیم در برابر دستورات الهی و گذر از هر نوع بت یا بت‌انگاره در سطح فردی و اجتماعی است. در همین امتداد، همان‌طور که پیامبر مأمور به تکلیف است و هیچ بهانه‌ای برای وانهادن تکلیف ندارد و فقط در صورت التزام به آن مورد رضایت خداوند قرار می‌گیرد، پیروان پیامبر هم هیچ بهانه‌ای برای عمل نکردن به تکالیف ندارند و در این مسیر، باید تسلیم امر الهی بود، به او ایمان داشته باشند و با تضرع به درگاه او، صادقانه صبر پیشه سازند و بر خشوع و خشیت خود بیفزایند و اهل دستگیری از ناتوانان و انفاق و صدقه باشند و از روزه کمک گیرند و به حفظ حدود و عفت ملتزم گردند و به ذکر خداوند بسیار پردازند؛ بر این اساس،

خداوند آثار منفی کردارهای نادرست ایشان را از بین برده و پاداش بزرگ و غیرقابل وصف ایشان را می‌پردازد.

در برابر برخی از سنت‌های نادرست که انسان‌ها از یکدیگر به ارث می‌برند، سنت الهی هم در جریان است؛ در این سنت، انسان‌های سرنهاده به فرمان او، بدون هیچ عذر و بهانه‌ای به تکلیف خود می‌پردازند. این امر خداوند است و امر او، دقیق و قطعی است. پیامبران الهی، در اوج دلدادگی به اوامر الهی قرار دارند که مأموریت‌هایشان را به انجام رسانده و فقط از او پروا داشته و در برابر او خشیت داشتند و هرگز از دیگران خشیت نداشتند؛ آنها بر این باور بودند که قدرت خداوند بی‌کرانه است و هیچ مخلوقی در برابر قدرت او، به حساب نمی‌آید. اوست که پاداش‌دهنده اعمال است.

در همین امتداد، پیامبر اسلام دارای مقام خاتمیت است؛ هم آخرین پیامبر است و هم برترین آنهاست. رابطه اصیل پیامبر اکرم (ص) با آحاد جامعه اسلامی، رسالت الهی است و گرچه او پدر معنوی همه مؤمنان است، پدر طبیعی هیچ مردی نیست. پس صفات یادشده در آیه ۳۵ صورت نظری برای نشان‌های جامعه اسلامی و خانواده اسلامی در پرتو التزام به قرآن کریم است و مسئولیت ما، تلاش و کوشش برای تحقق عملی آنهاست (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۳۳۴).

۲-۳-۳- تدبیر در رکوعات بعدی سوره

در رکوع ششم (۴۱-۵۲) خداوند متعال مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و به ایشان امر می‌فرماید تا در صبحگاهان و شامگاهان به ذکر الهی بپردازند. به واسطه این ذکر، آنها برای دریافت صلوات خداوند و فرشتگان کسب آمادگی می‌کنند و همواره مسیر تعالی خروج از تاریکی‌ها به روشنایی‌ها را طی کرده و در روز قیامت، همراه با سلامت به اجر کبیر الهی دست می‌یابند. این جلوه‌ای از رحمت خاص خداوند بر مؤمنان است. مسیر درست ذکر الهی، توجه به مقام و منزلت پیامبر اکرم (ص) است؛ او شاهد و مبشر و نذیر است؛ به سوی خداوند به اذن او فرامی‌خواند و چراغی روشن در این مسیر است. در همین امتداد، به فرمان الهی به مؤمنان بشارت فضل بسیار خداوند را می‌دهد و مأموریت می‌یابد تا هرگز به سوی کافران و منافقان تمایل نیافته و با توکل بر خدا، به آزارهای آنها اعتنا ننماید.

اکنون جامعه اسلامی، آماده دریافت احکام مرتبط با زناشویی است؛ احکامی که از سوی بیانگر طلاق در شرایط خاص و از سوی بیانگر زندگی خاص پیامبر اکرم‌اند (ر. ک. سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵:

در بیان ارتباط بین رکوع پنجم و رکوع ششم می‌توان گفت در آیه ۳۵ خداوند مسیری کلی را ترسیم فرمود و در ادامه رکوع الزامات طیّ طریق در آن مسیر را بیان نمود؛ در حالی که در آیه ۴۱ به مؤمنان تعلیم فرمود که از همان آغاز راه باید برای عبور از همه مراحل، مجهّز به ذکر کثیر باشند. نباید این برداشت اشتباه وجود داشته باشد که دستیابی به مقام ذاکر شدن به ذکرالله، بدون بهره‌گیری از ذکر کثیر میسر است! همان‌طور که فهم احکام الهی و تلاش برای اجرای آنها، بدون بهره‌گیری از ذکر کثیر امکان‌پذیر نیست.

در رکوع هفتم (۵۸-۵۳) خداوند حدودی را برای تعامل مسلمانان با خانه‌ها و همسران پیامبر اکرم (ص) مشخص می‌فرماید. قابل تأمل است که راه برگزیده مسلمانان برای رابطه با پیامبر اکرم، صلوات است؛ صلواتی که صبحگاهان و شامگاهان تبدیل به تسبیح آنان شده و بهترین مصداق ذکر کثیر است (ر. ک. فتح/۹). ابابصیر از امام صادق (ع) روایت کرده است که «هنگامی که نام پیامبر (ص) یاد شود، بر او بسیار صلوات فرستید؛ هر کس یک‌بار بر پیامبر صلوات بفرستد، خداوند هزار مرتبه در هزار صف از فرشتگان بر او صلوات می‌فرستد و هیچ چیز از میان آفریدگان خداوند باقی نمی‌ماند جز آنکه بر آن بنده به واسطه صلوات خداوند و فرشتگان، صلوات می‌فرستد. هر کس به ذکر صلوات اشتیاق نداشته باشد، جاهلی مغرور است که خداوند و پیامبر و اهل بیت او از او بی‌زاری جسته‌اند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۹۲). قابل تأمل است که عبارت پایانی این حدیث نورانی «قَدْ بَرِئَ اللهُ مِنْهُ وَرَسُولُهُ وَاهْلُ بَيْتِهِ» دلالت وثیقی بر آغاز این ارتباط در قالب صلوات از سوی خداوند، پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام دارد. پس جاری شدن ذکر صلوات بر لب، پاسخ به دعوت خدا، رسول و اهل بیت است و هر که این دعوت نورانی را لیبیک نگوید، جاهلی مغرور است. صلوات، صورت ظاهری است که دلالت بر آمادگی فرد برای متابعت از حقیقت الهی پیامبر و اهل بیت او دارد.

هرگونه اقدام برای پیمودن راهی به جز اسلام محمدی منجر به آزار خداوند و رسول‌الله شده و در نتیجه، لعنت خداوند در دنیا و آخرت و عذابی خوارکننده خواهد شد! در همین امتداد، پوینده راه رسول‌الله هرگز برای خود حقیّی در آزار مؤمنان قائل نیست و آن را زشت می‌شمارد و تجاوز به حقوق دیگران را برهم‌زننده انسجام اجتماعی می‌داند. بر این اساس، مرحله ابتدایی اسلام در نگاه سلبی خود تبدیل به سلامت دیگران از دست و زبان فرد مؤمن می‌شود.

در رکوع پایانی سوره (۷۳-۵۹)، زمینه‌های ایجادکننده ناهنجاری‌های اجتماعی و راه‌های جلوگیری از آن‌ها بیان شده است. بر این اساس، حفظ حدود الهی توسط زنان مؤمن در پوشش خود بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را اصلاح می‌کند. در همین امتداد، قاطعانه بیان می‌شود که منافقان و بیماردلان و شایعه‌پراکنان جایگاهی در جامعه اسلامی ندارند و اگر اهتمامی به اصلاح خود نداشته باشند، باید از جامعه اسلامی اخراج شوند؛ زیرا حضور آن‌ها در جامعه منجر به ناهنجاری آن خواهد شد. خداوند متعال آن‌ها را به شدت تهدید می‌فرماید که مورد لعنت خواهند بود و حکومت اسلامی این حق را دارد که جامعه را از لوث وجود آن‌ها پاک سازد. این سنت دیرین خداوند است که هرگز تغییر نخواهد کرد.

توجه به قیامت و ترسیم شرایط و ویژگی‌های آن، یکی از جلوه‌های ذکر کثیر است که عاملی بازدارنده برای مؤمنان خواهد بود. تأمل برانگیز است که در آیات پایانی سوره، خداوند صحنه‌ای هولناک از قیامت را ترسیم می‌فرماید که در آن، دوزخیان برای رهبران و بزرگان خود طلب عذاب چندبرابر می‌کنند و در گمراهی خود، آن‌ها را مقصّر می‌دانند! خداوند متعال هشدار می‌دهد که مانند بنی اسرائیل نباشید که با گفتارهای نسنجیده خود، موسی را آزار دادند و مؤمنان را به رعایت تقوا و کلام سنجیده فرا می‌خواند. این موارد، ضمانت‌کننده حرکت متعالی اجتماع‌اند که مردم ضمن تلاش برای برگزیدن رهبران و سردمدارانی در مسیر پیامبران الهی، باید در رفتارها و گفتارهای خود کاملاً سنجیده عمل کرده و تقوای الهی را رعایت کنند. امانت خداوند، ایمان و شریعت پاک اوست که پای‌بندی به آن، دشوار است؛ زیرا رها ساختن شریعت الهی و حرکت در مسیر خواست‌های غریزی و شهوات حیوانی و در همین امتداد، لگه‌دار ساختن نام آزادی و معادل ساختن آن با هواپرستی، آسانتر از پای‌بندی و تعهد است. بر این اساس، در سایر رکوعات این سوره خداوند به بیان الزامات، ابزارها و موانع تحقق توسعه اجتماعی می‌پردازد.

۲-۳-۴- تدبیر در رکوعات قبلی

خداوند در رکوع چهارم این سوره (۳۴-۲۸)، خطابی خاص به زنان پیامبر اکرم (ص) دارد. اگرچه در میان این آیات، در آیه ۳۳ با اشاره به اهل بیت پیامبر اکرم (ص)، جلوه‌ای خاص‌تر از شیوه پیروی از پیامبر اکرم (ص) و درس‌آموزی از ایشان و حکیم شدن به حکمت الهی او را به نمایش گذارده است. حقیقت آن است که عظمت وجودی پیامبر اکرم (ص)، هرگونه ارتباط با ایشان را تحت تأثیر قرار داده و شرایط هر فرد مرتبط با او را خاص کرده است. بر این اساس، در این رکوع

توجه جامعه اسلامی را بر محیط و شرایط خاص زندگی پیرامون جایگاه باعظمت پیامبر اکرم (ص) را ترسیم فرموده است تا یکی از ابعاد «اسوه حسنه» را به نمایش گذارد.

در رکوع سوم (۲۷ - ۲۱)، سرآغاز سخن بیان رهبری مطلق و بدون قید و شرط پیامبر اکرم (ص) است. هرچه پیامبر اکرم (ص) بیان کرده و انجام داده است برای مؤمنان به روز قیامت و اهل ذکر کثیر قابل پیروی است و به مقصد می‌رساند. پیروان راستین او، رادمردانی‌اند که به وعده‌های خود با خداوند پای‌بندند و در این راه، یا به شهادت می‌رسند و یا صبر می‌کنند و هرگز تغییری در وعده‌هایشان نمی‌دهند. ابزار آن‌ها، صداقت است. خداوند متعال به واسطه این صداقت، پیروزی‌ها و گشایش‌های بسیاری را برای آن‌ها رقم می‌زند.

رکوع دوم (۲۰ - ۹) در حالی که به ترسیم صحنه‌هایی از نبرد احزاب می‌پردازد، حقایق پشت پرده آن را هم بیان می‌کند. یکی از جلوه‌های ذکر کثیر، یادآوری پیروزی مؤمنان در نبرد احزاب است؛ نبردی که در آن خداوند متعال لشکریان نامرئی باد و طوفان را به مدد مسلمانان فرستاد. با هجوم همه‌جانبه کافران به مدینه در این نبرد، مسلمانان گرفتار آزمونی سخت شدند و وحشت همه‌جا را فراگرفت. در این میان، منافقان و بیماردلان به جنگ روانی پرداختند و وعده‌های الهی را دروغ و پیامبر را دروغگو دانستند. گروهی سست‌عنصر به دنبال تسلیم بودند و خداوند در بیان حالشان می‌فرماید که «اگر پس از تسلیم، به آن‌ها پیشنهاد بازگشت به شرک داده می‌شد بدون درنگ آن را می‌پذیرفتند درحالی که پیش از آن با خداوند عهد و پیمان ایمان بسته بودند!» خداوند به آن‌ها هشدار می‌دهد که فرار هیچ سودی برای شما نخواهد داشت و به آن‌ها یادآوری می‌کند که هیچ‌کس یارای مقاومت در برابر اراده و امر الهی را ندارد. رفتارهای نفاق‌گون آن‌ها مبتنی بر ترس ذاتی‌شان است. درحالی که در شرایط دشوار جنگ از ترس قالب تهی می‌کنند، با فرونشستن غبار نبرد زبان دراز می‌کنند. بر این اساس، این رکوع ضمن بیان عظمت نبرد احزاب و ضرورت یادآوری آن در جامعه اسلامی، به ترسیم پدیده شوم نفاق در میان مسلمانان هم می‌پردازد.

در رکوع اوّل (۸ - ۱)، خداوند صراط مستقیم عدم تمایل به کافران و منافقان را کلیدی مهم در حرکت متعالی جامعه مسلمانان اعلام می‌فرماید. در همین امتداد، مسلمانان باید پیرو وحی الهی بوده، فقط به او توکل نمایند. هرگونه دلبستگی به شیوه‌های متعدّد یا قائل بودن به اثرگذاری غیرخدا در فراگردهای جهان هستی، زمینه‌ساز نفاق است. پای‌بندی به آداب و سنت‌های پیشینیان، در حالی که توسعه اجتماعی کمک خواهد کرد که هیچ ناسازگاری با دستورات و حیانی نداشته باشد. ولایت

پیامبر اکرم (ص) در جامعه اسلامی، عام و دربرگیرنده همه مسلمانان است؛ این ولایت زمینه‌ساز پذیرش اوامر ایشان توسط مسلمانان است. پیامبران الهی در عهد و پیمان‌شان با خداوند متعال، صادقانه اصرار ورزیدند و از آن عدول نکردند و این همان شیوه‌ای است که مؤمنان باید از آن پیروی کنند. استمرار ولایت پیامبر اکرم (ص) از طریق اهل بیت ایشان است و در زمان غیبت امام معصوم، فقها دارای ولایت‌اند و آحاد امت باید در مسائل گوناگون، به ایشان مراجعه نمایند.

۳- نتیجه‌گیری

اصول، مبانی، شاخص‌ها، نظریه‌ها و اهداف توسعه در حال تحولند که بخشی از این تحولات مبنای ارزشی و فرهنگی دارند. در منابع و مآخذ دینی، مصادیق و مؤلفه‌های فراوانی در باب توسعه مطرح و معرفی شده‌اند که از امکان ایجاد نظریه بومی توسعه حمایت می‌کنند. علی‌رغم موفقیت‌های فراوان غرب در روند توسعه خود، بحران‌های اجتماعی و انسانی غرب، به‌ویژه در ابعاد معنوی همچنان باقی است. به‌ویژه به لحاظ شیوع نگاه تک‌بعدی و مادی غرب به انسان و خواسته‌های او، نمی‌توان از مدل‌های پیاده شده در کشورهای پیشرفته غربی، در کشورهای در حال توسعه بهره جست؛ زیرا این مدل‌ها، پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی کشورهای در حال توسعه را در نظر نمی‌گیرند. از این حیث، هر ملت به یک مدل جامع، مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای خود نیاز دارد. اتکا به دستورالعمل‌ها و رهنمودهای اسلامی و بومی، ظرفیت قابل توجهی را برای توسعه و پیشرفت کشور ایجاد می‌کند.

با پیشرفت‌های انجام‌شده در زمینه توسعه و همچنین تعریف شاخص‌های جدید برای ارزیابی آن، مشخص گردید که با گذر زمان، تعاریف نوین از توسعه به تعاریف اسلامی نزدیک‌تر می‌شوند؛ اما در کشورهای اسلامی کمتر به این سرمایه معنوی و اثرگذار بر روند توسعه و پیشرفت توجه شده است.

شناخت ابعاد توسعه و تعالی اجتماعی با استفاده از قرآن، سنت و سیره پیامبر و ائمه اطهار یک ضرورت است؛ زیرا ساخت الگوهای کارآمد از پیشرفت و تعالی اجتماعی، جز در انطباق با ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی یک ملت امکان‌پذیر نخواهد بود. در این راستا، سوره احزاب در آسمان پرستاره قرآن کریم، جایگاه و رسالت خاص خود را داراست. این سوره پس از سوره سجده قرار دارد که مانند ۵ سوره دیگر با «الم» آغاز می‌شود؛ سوری که محور موضوعی مشترکشان

«آیین رفتار و برخورد مسلمانان با هواداران و پیروان دیگر ادیان» است که در سوره‌های مکی از این مجموعه، بیشتر به مبانی و راهبردهای نظری و در دو سوره مدنی بقره و آل عمران، روش‌ها و راه کارهای عملی آن طرح و شرح شده است. در این امتداد، سوره احزاب پیش از سوره سبأ قرار دارد که بیانگر اصول اعتقادی سه گانه توحید، نبوت و معاد است. آغاز سوره احزاب بر جایگاه اساسی رسالت و نبوت در تاریخ بشر تأکید دارد. بر این اساس، سوره از سویی متضمن مبانی اعتقادی و از سویی بیانگر روش‌های توسعه فردی مسلمانان و تعالی اجتماعی جامعه اسلامی است. در این میان، تأکید بر جایگاه پیامبر اکرم (ص) در تاریخ و سرنوشت بشریت و نقش پیروی کامل از ایشان در تعالی فردی و اجتماعی به وضوح در سراسر سوره به چشم می‌خورد. در این امتداد، تمسک به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان در ساده‌ترین شکل خود، به صورت ذکر زبانی صلوات جلوه‌گر می‌شود؛ صلواتی که آغازگر آن خداوند متعال است و مسلمانان در آیه ۵۶ سوره احزاب امر به آن شده‌اند. این ذکر زبانی، با تسلیم عملی و پذیرش آنکه پیامبر اکرم (ص) در همه شئون زندگی «اسوه حسنه» است، فرد را در مسیر تلاش برای پیروی از ایشان و تشبّه به قدر و سع به ایشان قرار می‌دهد. بر این اساس، فرد در مسیر توسعه انسانی به حرکت تکاملی خود ادامه می‌دهد و سزاوار دریافت نشان «منا اهل البیت» می‌گردد! در این امتداد، با تدبر در آیات ۴، ۱۵ و ۲۲ از سوره سجده استدلال می‌شود ذکر زبانی و قلبی، زمینه‌ساز تفکر در آیات تکوینی و آفرینش الهی است. بر این اساس، انسان متذکر هماهنگی آیات تکوینی با آیات تدوینی را درمی‌یابد و این عظمت، او را به حال سجده و خشوع می‌رساند. در همین امتداد، ستمکارترین افراد کسی است که آیات الهی به او گوشزد شده و تذکر داده شود و از آنها روی گرداند!

در مسیر مستمر و پیوسته توسعه و تعالی، ذکر الهی در حالات گوناگون اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع، تصدق، صوم، حفظ فرج و ذکر نمایان می‌گردد. هر یک از این حالات، بر صراط مستقیم عبودیت، پذیرش مقام «اسوه حسنه» پیامبر اکرم، تلاش برای فراگیری ذکر الهی و آگاهی یافتن انسان بر ذاکر بودن همه مخلوقات دلالت دارند. اگرچه این حقایق در عالم تکثر در قالب مفاهیم و واژگان گوناگون متجلی شده‌اند، این کثرت ذیل مقام «ولایت» رسول الله (ص)، به وحدت حقیقی نائل می‌آیند؛ زیرا ولایت بافضیلت‌ترین اساس دین است که همه فضایل با آن آغاز می‌شوند (ر. ک. برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۸۶). در این امتداد، ولایت یگانه راه خروج انسان از

نیست‌انگاری است و الگوهای توسعه، تا زمانی که مقصد را معرفت ولی قرار نداده و کشف جایگاه حقیقی انسان را در گرو رابطه قلبی با مقام ولایت ندانند، طرفی نخواهند بست.

منابع

- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۱۱ ق). *التحریر و التنویر*. بیروت: دارالفکر.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ ق). *المحاسن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پورعزت، علی اصغر؛ سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۱). ویژگی‌های پیشرفت و تعالی در پرتو رهنمودهای امام علی علیه‌السلام. *دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی*، سال ۲۰، ۳۸-۹.
- پورعزت، علی اصغر؛ علی پور، میثم (۱۳۹۳). *عدالت پژوهی در پرتو آیات قرآن کریم*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خاکبان، سلیمان (۱۳۷۷). رسالت حوزه و دانشگاه در تدوین الگوی توسعه اسلامی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۷، ۴۸-۴۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.
- رجبی، محسن (۱۳۸۹). *آیین قرائت و کتابت قرآن کریم در سیره پیامبر اکرم (ص)*. قم، بوستان کتاب.
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۸). اسلام و فرهنگ توسعه در آمدی بر الگوی اسلامی فرهنگ توسعه. *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ۳ (۲۸)، ۷۳-۶۱.
- سعدآبادی، علی اصغر؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی پور، آریین (۱۳۹۲). تدوین الگوی توسعه و پیشرفت در پرتو رهنمودهای امام علی علیه‌السلام. *فصلنامه اسلام و مدیریت*، ۳، ۷۷-۴۳.
- سعدآبادی، علی اصغر؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۲). ویژگی‌های حکومت توسعه یافته در پرتو رهنمودهای امام علی علیه‌السلام. *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه علوی*، ۴ (۱)، ۵۱-۳۳.
- سید قطب (۱۴۱۲ ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشرق.
- سیف، اله مراد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی الگوی بومی توسعه جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات بسیج*، ۱۳ (۴۸)، ۴۷-۶.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طنطاوی، سید محمد (۱۴۰۲ ق). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: الأزهر.
 طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.

فیض کاشانی، مولی محسن (۱۴۱۵ ق). *تفسیر الصافی*. تهران: انتشارات الصدر.
 قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی ملی منطقه‌ای*. انتشارات علوم تحقیقات.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 لسانی فشارکی، محمدعلی و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۱). *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*. قم: انتشارات بوستان کتاب.

مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. ترجمه گروه مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ ق). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*. به تصحیح محمد انصاری زنجانی، قم: انتشارات الهادی.

Johnson, W. H. A., & Filippini, R. (2013). Integration capabilities as mediator of product development practices–performance. *Journal of Engineering and Technology Management*, 30: 95-111.

Lele, S. M. (1991). Sustainable development: A critical review. *World Development*, 19: 607–621.

Mirzai Ahranjani, H. (1976). *Rural Development in Theory and Practice*. A Dissertation Presented to the Faculty of the school of public administration university of Southern California, California.

Ojo, A., Janowski, T., & Awotwi, J. (2013). Enabling development through governance and mobile technology. *Government Information Quarterly*, 30: 32-45.

Pareto, V. (1991). *The Rise and fall of Elites*. New Brunswick.

Ramos, A. G. (1974). *The Changing Meaning of Development*. University of Southern California. California.

Seers, D. (1969). The Meaning of Development. *International Development Review*, 11: 59-65.